

شاخصه های جامعه منتظر از منظر آیات و روایات

چکیده

در آموزه های دینی باور به انگاره موعود و انتظار از جایگاه ویژه ای برخوردار است. در آیات و روایات منتظرین واقعی موعود را برترین امت خطاب نموده است. متون دینی برای جامعه منتظر شاخصه های چون: برقراری قسط و عدل، آمادگی فردی و اجتماعی برای مهیا نمودن مقدمات ظهور، اصلاح ظاهر و باطن به شئون دینی، فرهنگ سازی ارزش های والای اعتقادی و دینی و نهادینه نمودن آن در فرد و اجتماع به عنوان پایه های اصیل جامعه منتظر برشمرده شد است. بر این پایه برآنیم تا در جستار پیش رو در خصوص شاخصه های جامعه منتظر از منظر آیات و روایات با شیوه تحلیلی توصیفی بررسی نموده و مبانی آن را ارائه نماییم.

مفهوم انتظار

انتظار در لغت یعنی چشم داشتن، نگران چیزی شدن، چشم به راه چیزی شدن. (نرم افزار لغت نامه دهخدا، ذیل کلمه انتظار) انتظار در اصطلاح: در باور شیعه، در انتظار ظهور حضرت بقیه الله الاعظم حجت بن الحسن العسکری امام دوازدهم و آخرین جانشین پیامبر اسلام / زندگی کردن و جامعه را برای حکومت حق الهی توسط آخرین حجت خدا مهیا ساختن، را انتظار می گویند. و اهمیت انتظار آن چنان است که رسول خدا / فرمودند:

أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي أَنْتِظَارُ الْفَرَجِ؛ با فضیلت ترین اعمال امت من، انتظار فرج است. (مجلسی، ۱۴۰۴: ۵۰/۳۱۷) امام زین العابدین نیز فرموده اند: «إِنَّ أَهْلَ زَمَانِ غَيْبَتِهِ الْقَائِلُونَ [الْقَائِلِينَ] بِإِمَامَتِهِ الْمُتَنْظِرُونَ [الْمُنْتَظِرِينَ] لِظُهُورِهِ أَفْضَلُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ لِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى ذَكَرَهُ أَعْطَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ وَالْأَفْهَامِ وَالْمَعْرِفَةِ مَا صَارَتْ بِهِ الْغَيْبَةُ عِنْدَهُمْ بِمَنْزِلَةِ الْمَشَاهِدَةِ وَجَعَلَهُمْ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْ رَسُولِ اللَّهِ / بِالسَّيْفِ أَوْلِيكَ الْمُخْلِصُونَ حَقًّا وَشَيْعَتَنَا صِدْقًا وَالدُّعَاءُ إِلَى دِينِ اللَّهِ سِرًّا وَجَهْرًا وَقَالَ ع أَنْتِظَارُ الْفَرَجِ مِنْ أَعْظَمِ الْفَرَجِ» (مردم زمان غیبت امام زمان از با فضیلت ترین امت ها هستند که قائل به امامت امام زمان شده و منتظر ظهور آن حضرت می باشند؛ چرا که خداوند متعال برای آن ها عقل و فهم و شناختی عطا نموده که ندیده به امام زمان ایمان آورده اند، گویا که دیده اند و خداوند متعال انتظار آن ها را به منزله جهاد در کنار پیامبر اسلام (ص) قرار داده است. آن ها مخلصان حقیقی و شیعیان راستین ما می باشند و انتظار فرج از بزرگترین فرج هاست).

(مجلسی، ۵۲/۱۲۲: ۱۴۰۴)

بنابراین انتظار یعنی به کار بردن عقل و فهم برای شناخت حجت خدا و حرکت در مسیر کمال و بنده مخلص خداوند شدن به خاطر آماده سازی جامعه برای تشکیل حکومت عدل جهانی و به رهبری امام معصوم که با تائید خداوند متعال، معارف والای قرآنی را در کل دنیا به اجرا در خواهد آورد و عالم را همچون بهار، از فضایل اخلاقی گل باران خواهد نمود. انتظاری بهترین اعمال امت پیامبر اسلام (ص) خواهد شد که پس از اصلاح خویشتن به فکر اصلاح جامعه نیز باشد و از کنار ناهنجاری های جامعه بی تفاوت نگذرد، بلکه با امر به معروف و نهی از منکر آمادگی خود و جامعه را برای دفاع از حکومت عدل جهانی، مهیا سازد.

جامعه منتظر و شاخصه‌ها

جامعه منتظر به جامعه‌ای گفته می‌شود که با زمینه سازی ظهور و عمل کردن به وظایف خود در عصر غیبت کبری، به امید ظهور منجی عالم بشریت حضرت مهدی و تشکیل حکومت عدل جهانی و جهانی کردن دین مقدس اسلام به سر برد و خود را از آسیب‌ها دور ساخته و طبق شاخصه‌هایی که برای جامعه منتظر در ابعاد فرهنگی، سیاسی و اقتصادی ضرورت دارد، در حرکت باشد.

اول: شاخصه‌های فرهنگی

یک: شناخت امام

زمینه سازان - که همان یاران حضرت مهدی هنگام ظهور هستند - امام خویش را به بهترین وجه می‌شناسند و این شناخت آگاهانه در تمامی وجودشان رسوخ کرده است. بنابراین زمینه سازی برای ظهور آن حضرت، بدون شناخت آن بزرگوار امکان پذیر نخواهد بود. امام صادق فرمود:

«...إِعْرِفْ إِمَامَكَ فَإِذَا عَرَفْتَهُ لَمْ يَضُرْكْ تَقَدَّمَ هَذَا الْأَمْرُ أَمْ تَأَخَّرَ... فَمَنْ عَرَفَ إِمَامَهُ كَانَ كَمَنْ هُوَ فِي فُسْطَاطِ الْقَائِمِ» (امام زمان خویش را بشناس. پس وقتی او را شناختی، پیش افتادن و یا تأخیر این امر [ظهور] آسیبی به تو نخواهد رساند... پس هر آن کس که امام خویش را شناخت، مانند کسی است که در خیمه قائم باشد). (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۳۱)

امام صادق در بیان دیگری فرمود: «وَمَنْ عَرَفَ إِمَامَهُ ثُمَّ مَاتَ قَبْلَ أَنْ يَقُومَ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ كَانَ بِمَنْزِلَةِ مَنْ كَانَ قَاعِدًا فِي عَسْكَرِهِ لَا بَلَّ بِمَنْزِلَةِ مَنْ قَعَدَ تَحْتَ لَوَائِهِ» (هر آن کس که امامش را شناخت و قبل از قیام صاحب این امر از دنیا رفت، بسان کسی است که در سپاه آن حضرت خدمت گزاری کرده است؛ نه، بلکه مانند کسی است که زیر پرچم آن حضرت است). (کلینی، ۱۳۶۵: ۳۷۱/۱؛ نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۳۲۹)

دو: خودسازی و هدایت و سوق دادن جامعه به دینداری

یکی دیگر از شاخصه‌های جامعه منتظر، خودسازی و مواظبت بر رفتار خویش است که در پی آن، جامعه و دیگران نیز به این جهت متمایل خواهند شد. شکی نیست که دین داری در عصر غیبت حضرت مهدی، از هر زمانی دیگر بسی مشکل تر و طاقت فرساتر است. امام صادق سختی این دوران را این گونه تصویر کرده است:

«إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَةً الْمُتَمَسِّكَ فِيهَا بِدِينِهِ كَالْخَارِطِ لِلْقَتَادِ ثُمَّ قَالَ هَكَذَا بِيَدِهِ فَأَيْكُمْ يُمَسِّكُ شَوْكَ الْقَتَادِ بِيَدِهِ ثُمَّ أَطْرَقَ مَلِيًّا ثُمَّ قَالَ إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَةً فَلْيَتَّقِ اللَّهَ عَبْدٌ وَ لِيَتَمَسَّكَ بِدِينِهِ» (صاحب این امر، غیبتی دارد که در آن هر کس از دین خود دست برد ندارد، همانند کسی است که با کشیدن دست خود به ساقه قتاد [که بوته‌ای تیغ دار است] خارهای آن را نگه دارد! پس کدام یک از شما با دست خود تیغ‌های قتاد را نگه می‌دارد؟)

سپس آن حضرت مدتی سر به زیر افکند و فرمود: صاحب این امر دارای غیبتی است؛ پس بنده خدا باید پرهیزگاری و تقوا پیشه کند و به دین خود تمسک جوید. (کلینی، ۱۳۶۵: ۱/۳۳۵: ۱۴۱۱: ۴۵۵؛ نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۱۶۹)

در روایتی دیگر می‌فرمایند: «مَنْ سُرَّ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَ لْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَ هُوَ مُنْتَظَرٌ» (هر کس شادمان می‌شود به اینکه از یاوران حضرت قائم باشد، پس انتظار بورزد و بر اساس تقوی و خوش خلقی رفتار نماید، در حالی که منتظر است). (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۰۰)

سه: مبارزه با فساد فکری و فرهنگی و انحرافات مذهبی

دین آسمانی اسلام، در واقع پاسخی به ندای عقل و فطرت انسان خاک نشین است. لذا عقل سلیم و فطرت پاک بشری در رویارویی با آن به آسانی تسلیم و منقاد می‌گردد؛ زیرا آن را دقیقاً مطابق با نیازهای روحی و روانی خود می‌یابد. چنین دینی موجبات رشد و تعالی روزافزون انسان را در پی دارد، اما زمانی که دین گرفتار زنگارهای برخاسته از هوا و هوس دنیاپرستان و سلايق شخصی دین فروشان می‌گردد، از فلسفه وجودی خود فاصله می‌گیرد و نه تنها به سوی سعادت رهنمون نخواهد بود که موجبات ضلالت و گم راهی را نیز در پی دارد. لذا جامعه منتظر که می‌خواهد خود را به استانداردهای عصر ظهور و حکومت مهدوی نزدیک سازد، باید بکوشد تا در عصر غیبت در حد امکان زمینه‌های انحراف فکری و دینی را از بین ببرد و به تبیین و تشریح آموزه‌های اصیل دینی همت گمارد و با افرادی که اصول و عقاید دین حق را وارونه جلوه می‌دهند، به شدت برخورد نماید.

چهار: شکوفایی خرد و دانش بشری

علم و دانش بشر در عصر ظهور، به تکامل نهایی می‌رسد و انسان هر روز به شناخت‌های تازه‌ای دست می‌یابد و شیوه‌های بهتری را در پیش می‌گیرد. بدین سان هر روز و در همه مسائل حیات، گامی به پیش است و ارتجاع و تکرار ندارد. پیشرفت بشر در آن زمان با هیچ دوره‌ای قیاس‌پذیر نیست و دانش انسان چه در زمینه علوم ماورای طبیعی و چه در زمینه علوم مادی تکامل می‌یابد و همه جهل‌ها و نقص‌های بشر نیز برطرف می‌گردد. بنابر این رهنمود، شیفتگان آن حضرت که به او و سیره او تأسی می‌کنند، در عصر غیبت هم باید بکوشند تا تولید علم نموده و بر گستره دانش بشری بیفزایند و در این زمینه‌گوی سبقت را برابیند و جامعه تشیع را سرآمد و پرچم دار علم و دانش جهانی نمایند.

پنج: گسترش ارزش‌های دینی با حاکمیت قرآن و معنویت

از نظر اسلامی، ارزش‌ها یک سلسله اصول کلی، ثابت و مطلق‌اند که تحت هیچ شرایطی تغییر نمی‌کنند، اما مصداق آن‌ها تغییرپذیر است. از این منظر ملاک کلی ارزش اخلاقی، مصلحت عمومی فرد و جامعه و مصلحت واقعی انسان است. یعنی هر چیزی که موجب کمال واقعی انسان است، نه چیزی که دلخواه افراد و مورد خوشایند آنهاست. البته اگر ملاک اصلی ارزش در اسلام، کمال نهایی است، مصداق آن قرب الهی است. (مصباح یزدی، ۱۳۷۶: ۵۶) از آنجا که یکی از مشخصات دوران ظهور برپائی ارزش‌های اسلامی با تمام توان می‌باشد، یکی از شاخصه‌های جامعه منتظر نیز برپائی این ارزش‌ها می‌باشد.

شش: صبر و بردباری

جامعه منتظر در حین انتظار بایستی شکبیا بوده و خود را از دنباله روی کردن از مدعیان دروغین دور نگه دارد و با انتظاری زمینه ساز، بر سختی‌ها فائق آمده و با طولانی شدن ظهور نا امید نشود. رسول خدا / می‌فرماید:

«طُوبَى لِلصَّابِرِينَ فِي غَيْبَتِهِ طُوبَى لِلْمُقِيمِينَ عَلَى مَحَجَّتِهِمْ أُولَئِكَ وَصَفَهُمُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ وَقَالَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَقَالَ أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ؛ خوشا به حال صبر کنندگان در دوران غیبت مهدی! خوشا به حال

پابرجایان بر راه اهل بیت. این‌ها کسانی هستند که خداوند در معرفی شأن فرمود: این‌ها حزب الهی هستند. و فرمود: این‌ها رستگارانند. (خزازه قمی، ۱۴۰۱: ۵۶)

هفت: بسط و تثویز به کردن فرهنگ مهدویت

از آن جایی که امروزه تئوری‌های مختلفی در مورد پایان تاریخ مطرح است و تنوع بحث «جهانی شدن» داغ می‌باشد، بایستی حکومت جهانی امام زمان و فرهنگ مهدویت را با عنوان بهترین تئوری و کارآمدترین گزینه، به جهانیان معرفی کرد.

هشت: انتظار همراه با عمل

امام صادق این معنا را چنین بیان فرموده است: «مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَمَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَهُوَ مُنْتَظَرٌ فَإِنْ مَاتَ وَقَامَ الْقَائِمُ بَعْدُ كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلُ أَجْرِ مَنْ أَدْرَكَهُ فَجِدُوا وَانْتَظِرُوا هَنِيئًا لَكُمْ أَيَّتُهَا الْعِصَابَةُ الْمَرْحُومَةُ» (هر کس که خوشحال می‌شود که از یاران قائم باشد، باید منتظر باشد و با پرهیزگاری و اخلاق نیکو عمل نماید و با چنین حالتی منتظر باشد که هرگاه بمیرد و پس از مردنش قائم به پا خیزد، پاداش او همچون کسی خواهد بود که دوران حکومت آن حضرت را درک کرده باشد. پس بکوشید و منتظر باشید. گوارای تان بادای گروه رحمت شده!) (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۰۰)

نه: تبلیغ و دعوت

تبلیغ پیام ولایت و دعوت به اطاعت خدا و پیامبر و امام، جلوه با شکوه انتظار منتظران است. امام سجاد می‌فرماید: «إِنَّ أَهْلَ زَمَانٍ غَيْبَتِهِ الْقَائِلُونَ [الْقَائِلِينَ] بِإِمَامَتِهِ الْمُنْتَظِرُونَ [الْمُنْتَظِرِينَ] لظُهُورِهِ أَفْضَلُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ لِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى ذِكْرُهُ أَعْطَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ وَالْأَفْهَامِ وَالْمَعْرِفَةِ مَا صَارَتْ بِهِ الْعَيْبَةُ عِنْدَهُمْ بِمَنْزِلَةِ الْمَشَاهِدَةِ وَجَعَلَهُمْ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِينَ بَيْنَ يَدَيِ رَسُولِ اللَّهِ ص بِالسَّيْفِ أَوْلَيْكَ الْمُخْلِصُونَ حَقًّا وَشَيْعَتُنَا صِدْقًا وَالدُّعَاءُ إِلَى دِينِ اللَّهِ سِرًّا وَجَهْرًا» (مردم زمان غیبت امام زمان از با فضیلت‌ترین امت‌ها هستند که قائل به امامت امام زمان شده و منتظر ظهور آن حضرت می‌باشند؛ چرا که خداوند متعال برای آن‌ها عقل و فهم و شناختی عطا نموده که ندیده به امام زمان ایمان آورده‌اند، گویا که دیده‌اند و خداوند متعال انتظار آن‌ها را به منزله جهاد در کنار پیامبر اسلام /قرار داده است. آن‌ها مخلصان حقیقی و شیعیان راستین ما می‌باشند.)

تا اینکه فرمود: آنها دعوت کنندگان مردم به دین خدا در نهان و آشکار می‌باشند. (طبری، ۱۴۰۳: ۳۱۲/۲)

دوم: شاخصه‌های سیاسی

یک: دخالت در سیاست

با کناره‌گیری از فعالیت‌های سیاسی و از دست دادن پست‌های مدیریت اجتماعی، هرگونه قدرتی به مرور از دست می‌رود. کار به جایی می‌رسد که انسان به احکام دین حتی در جنبه فردی هم نمی‌تواند عمل کند. اگر دینداران، از حضور سیاسی و اجتماعی در جامعه کناره بگیرند، محتوای حضور اعتقادی، سنتی، فرهنگی و عملی‌شان به انحراف کشیده می‌شود. منتظران حضرت مهدی باید در این باره بسیار بیدار و هشیار باشند.

دخالت در سیاست حقّه و شرکت در سیاست به قصد اداره جامعه جهت زمینه سازی و فراهم کردن، مقدمه حکومت مصلح کل و نگه‌داری جامعه از انحراف و حفظ دین خدا در اجتماع، از بزرگ‌ترین و با اهمیت‌ترین عبادت‌هاست و در سرلوحه تکالیف دینی جای دارد. برای اثبات این مطلب همین آیه قرآن ما را بس که می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ...» (مائده/۸) (ای کسانی که ایمان آورده‌اید! برپای دارندگان مقتدر داد و دادگری باشید...).

اعمال تربیت و سیاست دینی در جامعه جز با در دست داشتن قدرت حاکمیت ممکن نیست. این است که حضور سیاسی و کسب قدرت سیاسی، برای حفظ حضور و قدرت دینی، به وظیفه شرعی تبدیل می‌شود. بر این اساس، دین عین سیاست و سیاست عین دین است. پس اگر دین از سیاست جدا شود، به منزله این است که دین از قدرت جدا شده است و وقتی از قدرت جدا شد، دیگر هیچ ماهیتی نخواهد داشت. و با این بیان منتظر واقعی نمی‌تواند بدون داشتن قدرت سیاسی زمینه ساز ظهور گردد.

دو: تداوم ولایت فقیه تا ظهور امامت

با مطرح شدن امر «نیابت»، تسلسل ضروری «امامت» و رهبری ادامه می‌یابد و رشته هدایت دینی جامعه از هم نمی‌گسلد. امامان معصوم، مردم را در عصر غیبت کبری به نایب امام رجوع داده‌اند و تکالیف نشر دین (تربیت) و بقای دین (سیاست) را به او سپرده و همه را به اطاعت او فراخوانده‌اند. امام عصر در این باره می‌فرماید:

«أَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَأَقَعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةٍ حَدِيثَنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ» (در حوادث و رخدادها به روایان احادیث ما رجوع کنید که آنان حجت من بر شما و من حجت خدا هستم). (طوسی ، ۱۴۱۱: ۲۹۰)

معلوم است که رجوع به عالم ربانی، در عصر غیبت به اعتبار نیابت او از امام است. پس نقش سازنده و بزرگ عالمان سترگ شیعه، در سرتاسر اعصار غیبت، اثری است از آثار وجود حجت بالغه الهی و جامعه منتظر بایستی با پیروی از دستورات فردی و اجتماعی این نایبان امام عصر، جامعه را از انحراف‌ها بازداشته و قدرت سیاسی خود را حفظ نمایند.

سه: تولی و تبری

از شاخصه‌های جامعه منتظر دوستی با دوستان خدا و برائت از دشمنان خداوند متعال می‌باشد که این شاخصه فراتر از مرزهاست و امروزه در هر مکانی که دوستان الهی زندگی می‌کنند، باید مورد تایید و حمایت منتظران ظهور باشد که امام باقر فرمود: پیامبر / فرمود:

«طُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَ قَائِمَ أَهْلِ بَيْتِي وَ هُوَ يَأْتُمُّ بِهِ فِي غَيْبَتِهِ قَبْلَ قِيَامِهِ وَ يَتَوَلَّى أَوْلِيَاءَهُ وَ يُعَادِي أَعْدَاءَهُ ذَاكَ مِنْ رَفَقَائِي وَ ذَوِي مَوَدَّتِي وَ أَكْرَمِ أُمَّتِي عَلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» (خوشا به حال آنکس که قائم اهل بیت مرا درک نماید، در حالی که قبل از قیام او در زمان غیبتش پیرو او بوده و دوستانش را دوست داشته و با دشمنانش به دشمنی برخاسته باشد. چنین شخصی از رفیقان و همراهان من و مورد محبت و مودت من است و روز قیامت در زمره گرامی‌ترین افراد امت من محشور می‌شود). (صدوق ، ۱۳۹۵ق: ۲۸۶/۱)

چهار: نفوذناپذیری در برابر کفار

خداوند متعال در صفات مومنان می‌فرماید: «أَعَزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ» (مائده/۵۴) (آن‌ها بر کفار سخت گیرند).

که علامه در تفسیر این آیه می‌گویند: «أَعَزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ» (مائده/۵۴) کنایه است از اینکه این اولیای خدا، خود را بزرگ‌تر از آن می‌دانند که اعتنایی به عزت کاذب کفار کنند، کفاری که اعتنایی به امر دین ندارند، هم چنانکه خدای تعالی پیامبر خود را همین طور ادب کرده، و به وی فرموده: «لَا تَمْدَنَّ عَيْنِيكَ إِلَى مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَ اخْفِضْ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ» (حجر/۸۸) (به زر و زیورهایی که ما به بعضی از خانواده‌های کفار داده‌ایم تا چند صباحی سرگرم آن باشند چشم مدوز و بر زندگی آنان غبطه مخور، بلکه در برابر مؤمنین خضوع و تواضع کن). (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۷۴: ۶۳۳/۵)

برهمن اساس است که خداوند متعال می‌فرماید: «لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى أَوْلِيَاءَ» (مائده/۵۱) (یهود و نصارا را دوست خود قرار ندهید...).

معنایش این است که اگر گفتیم یهود و نصارا را اولیای خود مگیرید علتش این است که این دو طائفه در عین اینکه دو طائفه جدای از هم و دشمن هم هستند، در عین حال علیه شما مسلمانان یک دست و متحدند، پس در نزدیک شدن به آن‌ها و در دوستی و محبت با آن‌ها هیچ سودی برای شما نیست. بنابراین جامعه منتظر باید مراقب باشند که دشمنان با فتنه‌انگیزی در آن‌ها نفوذ نداشته باشند و با بهانه‌های فریبنده به اسلام ضربه نزنند.

پنج: وحدت و انسجام

نظم و انسجام و یک دستی در زندگی و کار، از ارزش‌های انسانی و از رموز کامیابی است. انسان‌های موفق برنامه دارند و بر اساس اصول مشخص، حرکت می‌کنند. انقلاب‌های رهایی بخش و سازمان یافته، کمتر با شکست روبه رو می‌شوند. و انسجام بایستی شاخصه اساسی جامعه منتظر باشد که امیر مومنان علی اصحاب امام زمان را این گونه می‌ستاید: قلوبهم مثل زبر الحديد لو هموا بازاله الجبال لازلوها عن موضعها. الزی واحد و اللباس واحد کانما أبأوهم اب واحد؛ قلب‌های‌شان همانند آهن فولادین است که اگر ارداه کنند کوهی را از جا برکنند، می‌توانند. زی و هیأت و لباسی یکسان دارند، گویا پدرشان یکی بوده است. (کوران، ۱۴۱۱: ۹۴/۳)

در روایتی دیگر آمده است: کانما رباهم اب واحد وام واحده قلوبهم مجتمعه بالمحبه و النصیحه؛ گویا یک پدر و مادر آنان را پروریده‌اند. دل‌های آنان از محبت و خیر خواهی به یکدیگر آکنده است. (مرندی، بی تا: ۳۳۱)

شش: شایسته سالاری

در دولت حق، هر صاحب حقی از حق خود بهره مند می‌شود و ناحقان، قدرت و نفوذی ندارند. کسی به دلیل ثروت انبوه یا نزدیکی و نسبت با حاکمان، چیزی را مالک نمی‌شود. تمام توان در دست اهل آن است. وقتی چنین بود، دیگر مانعی برای بیان حق نیست. زیرا هنگامی که افرادی به ناحق چیزی را تصاحب می‌کنند، برای آن که موقعیت‌شان به خطر نیفتد اجازه نمی‌دهند تا حق آشکار شود. پس برای آن که بتوان حق را در جامعه مطرح کرد، باید اول دست کسانی را که حقی ندارند، کوتاه نمود. و بیشترین همت جامعه زمینه ساز باید شایسته سالاری باشد و به گونه‌ای برنامه ریزی و عمل نماید که کسی از حق خود محروم نماند و کسی هم به ناحق مالک و حاکم چیزی نگردد. و این را می‌توان از روایاتی بدست آورد که بیانگر نوع حکومت عدل الهی است که توسط بقیه الله عملی خواهد شد. چرا که چنین روایاتی تنها به حکومت عصر ظهور ناظر نمی‌باشد، بلکه برای عصر غیبت نیز این پیام را دارد که بایستی جامعه منتظر هم در این مسیر حرکت کند. امام می‌فرماید: وَ يَرُدُّ اللَّهُ الْحَقَّ إِلَى أَهْلِهِ فَيُظَهِّرُ حَتَّى لَا يُسْتَحْفَى بِشَيْءٍ مِنْ الْحَقِّ مَخَافَةَ أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ؛ خداوند حق را به اهلس بر

می‌گرداند. همین عامل باعث آشکار شدن حق می‌شود به طوری که دیگر چیزی از حق از ترس کسی مخفی نمی‌شود. (کلینی ، ۱۳۶۵ : ۳۳۳/۱ ؛ صدوق ، ۱۳۹۵ : ۶۴۴/۲)

هفت: موضع گیری در برابر بدعت‌ها

از شاخصه‌های مهم جامعه منتظر مبارزه با بدعت‌هاست، چه بدعت در اصل دین و چه بدعت‌های مربوط به مهدویت و انتظار. اهمیت موضع گیری در باره بدعت از آنجا روشن تر می‌گردد که در روایات یکی از صفات بارز حضرت مهدی از بین بردن بدعت شمرده شده است که امام باقر عالیه السلام فرمود:

«...فَلَا يَتْرُكُ بَدْعَةً إِلَّا أزالَهَا وَ لَا سُنَّةً إِلَّا أَقَامَهَا» (با ظهور آن حضرت هر بدعتی که بوجود آمده باشد، از بین خواهد رفت و همه سنت‌ها برپا می‌شود). (مفید ، ۱۴۱۳ : ۳۸۵/۲)

امیر مومنان نیز در نکوهش بدعت فرموده‌اند: «وَمَا أُحْدِثَتْ بَدْعَةٌ إِلَّا تُرِكَ بِهَا سُنَّةٌ فَأَتَقُوا الْبِدْعَ» (هیچ بدعتی بوجود نمی‌آید مگر آنکه در کنار آن سنتی ترک گردد پس از بدعت‌ها دوری نمایید). (نهج البلاغه: خطبه ۱۴۵)

اهمیت مبارزه با بدعت‌ها تا آنجاست که اهل بیت (ع) دستور قتل بدعت گذاران را صادر می‌نمایند:

أَنَّ أَبَا الْحَسَنِ أَهْدَرَ مَقْتَلَ فَارِسِ بْنِ حَاتِمٍ وَ ضَمِنَ لِمَنْ يَقْتُلُهُ الْجَنَّةَ فَقَتَلَهُ جَنِيْدٌ وَ كَانَ فَارِسٌ فَتَانًا يَفْتِنُ النَّاسَ وَ يَدْعُوهُمْ إِلَى الْبِدْعَةِ فَخَرَجَ مِنْ أَبِي الْحَسَنِ هَذَا فَارِسٌ لَعَنَهُ اللَّهُ يَعْمَلُ مِنْ قِبَلِي فَتَانًا دَاعِيًا إِلَى الْبِدْعَةِ وَ دَمُهُ هَدْرٌ لِكُلِّ مَنْ قَتَلَهُ فَمَنْ هَذَا الَّذِي يَرِيحُنِي مِنْهُ وَ يَقْتُلُهُ وَ أَنَا ضَامِنٌ لَهُ عَلَى اللَّهِ الْجَنَّةَ؛ ابا الحسن خون فارس بن حاتم را هدر دانستند و برای کشته او بهشت را ضمانت داده‌اند و پس از این دستور بود که جنید او را کشت و فارس مردم را به فتنه می‌انداخت و به بدعت فرا می‌خواند که از سوی امام نامه‌ای صادر شد که این فارس که لعنت خدا بر او باد ادعا می‌کند که از سوی من تبلیغ می‌کند و این کار او فقط برای فتنه‌گری و دعوت به بدعت است. بنابراین خونس هدر است پس چه کسی حاضر است که مرا از دست او راحت کند و من بهشت را برایش ضمانت کنم (حر عاملی ، ۱۴۰۹ : ۱۲۴/۱۵)

و این می‌رساند که اگر بدعت‌گذار دست از فتنه‌گری خود برداشت، بایستی از میان برداشته شود تا جامعه آرامش خود را بدست آورد.

هشت: استقرار عدالت فراگیر

مشکل اصلی در جوامع امروزی، آتش ظلم و بیدادی است که بشر را در کام خود فرو برده است. بنابراین، ایجاد عدالت سرلوحه برنامه‌های منجی عالم است، همان‌گونه که از اهداف اصلی همه پیامبران در آغاز رسالت بوده است. در عصر غیبت نیز جامعه‌ای که رو به کمال موعود گام بر می‌دارد، باید برقراری عدالت را در رأس برنامه‌های اصلاحی خود قرار دهد؛ زیرا تمامی ساختارهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی به شدت متأثر از میزان تأمین عدالت در جامعه هستند. بشر در نظام عادل و دادگستر به درستی تربیت می‌شود، با آسایش و فراغت به تکلیف تن می‌دهد و به حقوق دیگران نیز احترام می‌گذارد.

بشر در سایه این مسئولیت‌پذیری و تعهد به جامعه، به سعادت دست می‌یابد. لذا، باید پایه‌های اصلی جامعه و ارکان مدیریت که در همه زوایای اجتماعی تأثیر مستقیم دارد و جهت حرکت جامعه را مشخص می‌کند، عادلانه باشد تا کل روابط اجتماعی در تمامی زمینه‌ها رنگ عدالت و دادگری به خود بگیرد. برقراری عدل مستلزم آن است که گروهی از افراد، از سرمایه‌ها و درآمدهای بسیار اما ناحق خود چشم‌پوشی کنند و این عامل باعث می‌شود که آنان برای حفظ منافع نامشروع

خود علیه عدالت خواهان برانگیخته شوند. همین امر، تلاش برای استقرار عدالت را در عصر غیبت بسیار مشکل می‌سازد و غیر از مصلحان و منتظران حقیقی، دیگران یارای آن را نخواهند داشت. اما در عوض نتایج و پی آمدهای شکوهمند آن هم بسیار درخور توجه و ارزش مند است، به گونه‌ای که شوق رسیدن به این نتایج، تحمل تمامی مشکلات را آسان و ممکن می‌سازد.

سوم: شاخصه‌های اقتصادی

یک: سامان دهی اقتصاد

همه انقلاب‌ها و اصلاح‌ها برای گسترش یافتن و باقی ماندن، نیازمند هزینه‌اند. جامعه و افراد انسانی نیز در مواردی نیازمند کمک مالی هستند. به طور کلی، همه ابعاد جامعه برای پیش رفت و تکامل به هزینه نیاز دارد. بنابراین، بقا و تکثیر ثروت‌های سودمند عمومی، در میان جامعه دینی، جزو وظایف همگانی است. یکی از ابعاد مقاومت، همین توان مندی مالی است. لذا قرآن کریم، مال را مایه «قوام» شمرده است و می‌فرماید:

«وَلَا تَوْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا» (نساء/۵) (اموالی را که خدا قوام زندگی شما را به آن مقرر داشته است، به تصرف سفیهان ندهید).

حفظ دین و فرهنگ و مظاهر دینی و هم چنین گسترش و تبلیغ آن، نیازمند قدرت مالی و اقتصادی است. اعضای جامعه دینی و منتظر ظهور باید بکوشند با کار حلال، به توان‌گری دست یابند و آن را، در خدمت نشر دین خدا و آرمان‌های والای انسانی به کار گیرند.

دو: عدالت اقتصادی

اهمیت عدالت اقتصادی به این خاطر است که روزمره، زندگی انسان را تحت الشعاع قرار می‌دهد و به وسیله آن می‌توان در فکر و اندیشه و مذهب دیگران رسوخ کرد. امام باقر می‌فرماید: مَا أَوْسَعَ الْعَدْلَ إِنَّ النَّاسَ يَسْتَعْنُونَ إِذَا عَدِلَ فِيهِمْ وَ تَنْزِلُ السَّمَاءُ رِزْقَهَا وَ تُخْرِجُ الْأَرْضُ بَرَكَتَهَا بِإِذْنِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ؛ چقدر عدالت باعث توسعه می‌شود که اگر در میان مردم عدالت مراعات شود، همه ثروتمند می‌شوند و آسمان به اذن الله عزوجل رزق‌ها را فرو می‌ریزد و زمین برکت‌های خود را بیرون می‌آورد. (صدوق، ۱۴۰۴: ۵۳/۲)

اساساً در اقتصاد سه هدف مهم وجود دارد: استقلال اقتصادی، عدالت اقتصادی و رشد اقتصادی. استقلال اقتصادی به معنای خودکفایی جهان اسلام و بی‌نیازی از کفار است و این است سخن خداوند متعال که فرمود:

«وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء/۱۴۱) (خداوند کافران را بر مومنان سلطه‌ای نداده است).

عدالت اقتصادی بدین معناست که مقوله اقتصاد، چه در بخش تولید و چه در بخش توزیع، از خطوط کلی عدالت پیروی می‌کند. قرآن مجید می‌فرماید:

«مَا آفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَى وَ الْيَتَامَى وَ الْمَسَاكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ كِي لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَ مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ مَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» (حشر/۷) (آنچه را خداوند از اهل این آبادی‌ها به رسولش بازگرداند، از آن خدا و رسول و خویشاوندان او و یتیمان و مستمندان و در راه ماندگان است. تا (این اموال عظیم) در میان ثروتمندان شما دست به دست نگردهد! آنچه را رسول خدا برای شما آورده بگیرید (و اجرا کنید)، و از آنچه نهی کرده، خودداری نمایید و از (مخالفت) خدا بپرهیزید که خداوند کیفرش شدید است)

خداوند منظور خودش را از این حکم این می‌داند که اموال در دست ثروتمندان نگردد و به نیازمندان نیز برسد و جامعه از نظر اقتصادی به تعادل برسد.

رشد اقتصادی یا افزایش تولید ناخالص ملی نیز از اهداف مهم اقتصادی است. اما آنچه در همه این‌ها مهم است رعایات عدالت و ارزش‌های اسلامی است که نقطه عطف و فرق اساسی اقتصاد اسلامی با غیر اسلامی می‌باشد.

سه: رفاه اقتصادی

در منطق اسلامی رفاه اقتصادی با محوریت ایمان به خدا و عمل به دستورات الهی است. برخلاف اقتصادهای الحادی که بر پایه استثمار و سلطه‌گری استوار گشته است و لذا خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

«وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أَنْزَلْنَا إِلَيْهِمْ مِنَ رَّبِّهِمْ لَأَكَلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِن تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ مِنْهُمْ أُمَّةٌ مُّقْتَصِدَةٌ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ سَاءَ مَا يَعْمَلُونَ» (مائده/۶۶) (و اگر آنان (یهود و نصارا) تورات و انجیل و آنچه را از سوی پروردگارش بر آنان نازل شده، برپا می‌داشتند از بالای سرشان (آسمان) و از زیر پاهای‌شان (زمین) روزی می‌خوردند. بعضی از آنان میانه رو هستند، ولی بسیاری از آنان آنچه انجام می‌دهند، بد است.)

یعنی اگر پیروان کتب آسمانی دیگر در برابر قرآن تسلیم می‌شدند و تسلیم در مقابل قرآن را تسلیم نژاد بنی‌اسرائیل در برابر نژاد عرب نمی‌پنداشتند و می‌دانستند که اصول تعالیم انبیا یکی است و ایمان به آنچه پس از تورات و انجیل نازل شده، راه یافتن به کلاس بالاتر است نه باطل ساختن دستورهای پیشین، در این صورت، علاوه بر بهره‌های اخروی در قیامت، در همین دنیا نیز انواع نعمت‌ها به سوی‌شان سرازیر می‌شد. آیه ۹۶ سوره‌ی اعراف نیز مشابه این آیه است:

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ؛ و اگر ساکنان آبادی‌ها ایمان آورند و تقوا پیشه کنند، برکات زمین و آسمان را بر آن‌ها باز می‌کنیم.

با این بیان روشن می‌شود که شاخصه اقتصادی جامعه منتظر امام عصر بر پایه ایمان و تقواست و اگر جامعه بخواهد به رونق اقتصادی برسد بایستی با محوریت ایمان و تقوا باشد.

چهار: توسعه پایدار و سازگاری با شریعت اسلامی

عمران و آبادانی جغرافیایی و بهره‌برداری از امکانات تا سرحد ممکن، از دیگر اقدامات امام زمان است. رسول اکرم در روایتی فرموده‌اند:

«يَتَنَعَّمُ أُمَّتِي فِي زَمَنِ الْمَهْدِيِّ نِعْمَةً لَّمْ يَتَنَعَّمُوا قَبْلَهَا فَطُرِبَ إِلَيْهِمْ مِدْرَارًا وَ لَا تَدْعُ الْأَرْضُ شَيْئًا مِنْ نَبَاتِهَا إِلَّا أَخْرَجَتْهُ» «امت من در زمان مهدی از نعمتی بهره‌مند می‌شوند که هرگز به چنان نعمتی بهره‌مند نشده‌اند. آسمان باران رحمت خود را فرو می‌ریزد و زمین هم گیاه خود را از برای ایشان خارج می‌نماید.» (مجلسی، ۱۴۰۴: ۸۳/۵۱)

البته چنین چیزی وقتی ممکن می‌گردد که از همه امکانات بهره‌برداری شود و از اسراف گروهی اندک نیز جلوگیری گردد. هم‌چنین از تکنیک‌های دقیق علمی و فنی متناسب با محیط‌ها و سرزمین‌های گوناگون باید بهره‌برداری شود. پس جامعه منتظر باید برای آبادانی زمین و حفظ محیط زیست تلاش نماید و بکوشد تا خود را به سطح پذیرفتنی از توسعه علمی و فنی پایدار برساند تا بتواند زمینه ظهور حکومت امام عصر را فراهم سازد.

نتیجه گیری

همانا جامعه منتظر به معنای واقعی کلمه باید دارای مراتب و شاخصه های متناسب با عصر غیبت حضرت مهدی (عج) باشد، چنانچه جامعه ای منتظر دانسته می شود که در حرکت به سوی شناخت موعود قدم برداشته و با به کار گیری توانائی های معنوی و رشد عقلانی برای ظهور منجی بشریت کوشش نماید.

در مقاله پیش روی مهم ترین ابعاد و چالش های مربوط به عصر ظهور که جامعه با رعایت آن به سمت ظهور گام برداشته و تحقق اهداف آن را دنبال می نماید به سه بخش فرهنگی، سیاسی و اقتصادی تقسیم شد. جنبه های فرهنگی شامل آن دسته از عقائد و رفتارهایی می شود که سبب رشد فکری و زدودن مفاصد فکری-فرهنگی در فرد و جامعه شده و شالوده و زیربنای جامعه آرمانی قبل از ظهور را پدید می آورد.

در مذهب تشیع امر نیابت عام مانع و مردود کننده نظریه جدایی دین از سیاست در روند اجرائی و حکومتی جامعه بوده است، چنانچه قاطبه فقیهان و علمای شیعه نظریه ولایت فقیه را برای اجرایی کردن این امر مطرح کرده اند. روش ها و سیاست های اقتصادی نیز نسبت به دو بخش گذشته تعیین و تطبیق می شوند به معنای اینکه اقتصاد در جامعه مورد نظر وسیله ای مهم و کلیدی برای تبلیغ و گسترش اسلام حقیقی است.

کتابنامه

• قرآن کریم

۱. حر عاملی، محمد، (۱۴۰۹)، وسائل الشیعه، محل انتشار: قم، ناشر: موسسه آل البیت.
۲. خزاز قمی، علی، (۱۴۰۱)، کفایه الاثر، محل انتشار: قم، ناشر: بیدار.
۳. صدوق، محمد، (۱۳۹۵ق)، کمال الدین، محل انتشار: قم، ناشر: دارالکتب الاسلامیه.
۴. صدوق، محمد، (۱۴۰۴)، من لا یحضره الفقیه، محل انتشار: قم، ناشر: جامعه مدرسین.
۵. طباطبائی، محمد حسین، (۱۳۷۴)، المیزان فی تفسیر القرآن، موسوی همدانی، محمد باقر، نوبت چاپ: پنجم، محل انتشار: قم، ناشر: دفتر انتشارات اسلامی.
۶. طبرسی، احمد، (۱۴۰۳)، الاحتجاج، محل انتشار: مشهد، ناشر: نشر مرتضی.
۷. طوسی، محمد، (۱۴۱۱)، الغیبه، محل انتشار: قم، ناشر: موسسه معارف اسلامی.
۸. کلینی، محمد، (۱۳۶۵)، کافی، محل انتشار: تهران، ناشر: دارالکتب الاسلامیه.
۹. کورانی، علی، (۱۴۱۱)، معجم احادیث الامام المهدی، نوبت چاپ: اول، محل انتشار: قم، ناشر: موسسه المعارف الاسلامیه.
۱۰. مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۴)، بحار الانوار، محل انتشار: بیروت، ناشر: موسسه الوفاء.
۱۱. مرندی، ابوالحسن، (بی تا)، مجمع النورین، بی جا، بی نا.
۱۲. مصباح یزدی، محمد تقی، (۱۳۷۶)، پیش نیازهای مدیریت اسلامی، محل انتشار: قم، ناشر: موسسه امام خمینی.
۱۳. نعمانی، محمد، (۱۳۹۷ق)، الغیبه، محل انتشار: تهران، ناشر: مکتبه الصدوق.